

# هنر، فرهنگ و تمدن عصر سلجوقی

جواد عسکری چاوردی\*

## چکیده

دوره‌ی حکومت سلسله‌ی سلجوقی یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران به شمار می‌رود. ویژگی‌های زیادی باعث شده که این حکومت در تاریخ ایران بعد از اسلام اهمیت فراوانی یابد و به صورت یک امپراطوری بزرگ در آید. سلجوقیان با بهره‌گیری از سنت‌های ایران قبل از اسلام، سلسله‌های اسلامی و تمدن‌های دیگر فرهنگ و تمدن جدیدی را پایه‌گذاری کردند که پایه و اساس هنر و فرهنگ سلسله‌های بعد از آن‌ها قرار گرفت.

در این پژوهش سعی شده برخی از مهمترین ویژگی‌های فرهنگ و تمدن این حکومت که حالتی نوآورانه داشته و باعث شده فرهنگ و تمدن این دوره را از سایر دوره‌ها متمایز کند، با تکیه بر منابع موجود توضیح داده شود. همچنین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری این سلسله در تمدن‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که سلجوقیان در کدام زمینه‌ها نوآوری داشته‌اند؟

**واژگان کلیدی:** سلجوقیان، فرهنگ، هنر، تمدن

## مقدمه

بر آمدن و قدرت یافتن سلجوقیان (تثبیت امپراتوری): با ظهور ترکان غز تحت رهبری طغرل بیگ، ایران به عصر جدیدی وارد شد. در مراحل پی در پی طغرل غزنویان را شکست داد و قلمرو آن‌ها را تصرف کرد. با چیره شدن بر فیروز فرمانروای خاندان بویه در میان رودان، اختیار خلیفه القائم را به دست گرفت و او به فاتح به عنوان پادشاه باختر و خاور درود گفت.

پادشاهی طغرل بیگ، برادرزاده و جانشین او آلبارسلان و ملک‌شاه پسر آلبارسلان درخشان‌ترین دوره‌ی حکومت سلجوقیان را در ایران دربر

می‌گیرد.

بافزایش که قدرت ترکان سلجوقیان توانستند قلمرو خود را به حدی توسعه دهند که بخش اعظم آسیای غربی را دربر گرفت. ملک‌شاه که اصفهان را پایتخت خود قرار داد، آن را با مسجد جامع یا مسجد جمعه با شکوه و بناهای دیگر آراست. اداره‌ی قلمرو پهناور ملک‌شاه در دست توانای وزیرش نظام الملک بود. این وزیر علاوه بر تقویت قدرت پادشاهی، با تبلیغات و فعالیت‌های فرقه اسماعیلیه مبارزه کرد و سرانجام هم به دست یکی از فداییان این فرقه ترور شد. اگرچه او در راه قدرت بخشیدن به دولت سلجوقی تلاش کرد ولی با برگماری فرمانداران نظامی یا اتابک‌ها در بخش‌های گوناگون کشور، بذره‌های ضعف آینده این سلسله را افشاند. دیری از مرگ ملک‌شاه نگذشته بود که زوال امپراتوری سلجوقی آغاز شد. در شمال شرقی، خوارزمشاهیان استقلال یافتند و سرانجام سلطه‌ی خود را بر بخش اعظم ایران گسترش دادند. در فارس اتابکان سلغر نیرومند شدند. همین‌طور در کرمان، لرستان و آذربایجان هر کدام از اتابکان مستقل شدند. (زندنیا، ۱۳۶۳: ۳۰ و ۲۹)

در دربار سلجوقیان بعضی از سرپرست‌های شاهزادگان که عموماً ترک بودند و اتابک خوانده می‌شدند به تدریج به مناصب رفیع نائل شده، صاحب نفوذ گشتند و در ایالاتی که به آن‌ها سپرده شده بود، قدرت یافته، خود را تقریباً مستقل کردند. (صدیق، ۱۳۵۴: ۱۲۵)

## ساختار حکومت سلجوقی

حکومت سلجوقیان که به تعبیر کلود کاهن به عنوان حکومت مطلقه مورد قبول اکثریت مردم و بر پایه‌ی دوگانگی نظامی مرکب از غلامان ترک نژاد و ترکمانان متکی بوده است، بر اساس الگوی روش حکومتی سامانی

البته طبق یک نظر هیچ تأثیر هنری از عنصر ترکی که خود ترک زبان بودند در بناها و آثار هنری این دوره وجود ندارد. به این سبب که سلجوقیان، هنرمندان محلی در ایران و عراق و آسیای صغیر را به کار می‌گرفتند و اهمیت کار آن‌ها به خاطر تغییراتی است که در روش موجود دادند؛ بناها محکم‌تر و وسیع‌تر از دوران گذشته گردیدند. (همان منبع: ۱۲۱)

عنصر مغولی: بعضی دانشمندان معتقدند که مقابر استوانه‌ای با سقف مخروطی که در دوره‌ی سلجوقی رواج یافت از روی چادرهای قبایل مغول که در ماوراءالنهر سکونت داشتند، گرفته شده است.

مذهب مانی: تصویرگران عهد سلجوقی، اسلوب نقاشی و تصویرگری را از پیروان مذهب مانی در معابد و دیرهای شرق ترکستان فرا گرفتند. (حلمی، همان منبع: ۱۹۲)

عنصر مسیحیت: تشابه تزیینات در بناهای اسلامی و مسیحی بر این



دلالت دارد که حاکمان سلجوقی از کنده‌کاران مسیحی در کنار کنده‌کاران مسلمان بهره‌می‌گرفتند.

سوریه و جزیره: در نقاشی، یک کتاب خطی از اواخر دوره‌ی سلجوقی و اوایل مغول به‌دست آمده که در اطراف سرهای اشخاص در تصاویر آن هلال‌هایی نورانی رسم گردیده که این روش‌ها مسلماً از سوریه‌ی مسیحی و سرزمین جزیره انتقال یافته است. اهمیت این کتاب خطی که موضوع آن اشعار غنائی است حلقه‌ی اتصالی است بین روش‌های هنری مکتب سلجوقی و مکتب مغولی در ایران. (علام، همان منبع: ۱۴۱)

عنصر عرب: خط کوفی که در قرآن‌های سلجوقی تصور بسیاری یافت و تذهیب‌کاری که در این دوره زیاد شد و تزیینات طلائی را سلجوقیان از

و غزنوی پایه‌ریزی شده بود. البته ترکان سلجوقی این سازمان حکومتی را تکامل بخشیدند و به دولت‌های پس از خود الگو دادند. نظام حکومتی سلجوقیان به پنج دیوان عمده تقسیم می‌شد: دیوان وزارت، دیوان استیفا، دیوان طغرا (شامل دیوان انشا و رسایل)، دیوان اشراف و دیوان عرض. البته تاریخ نگاران به دیوان‌هایی مانند دیوان برید، اقطاع یا دیوان خاص نیز اشاره کرده‌اند. اما پنج دیوان نخست، در تمام دوره‌ی سلجوقیان ثابت بوده است. مستوفی یا صاحب دیوان استیفا با امور مالیه دولت سر و کار داشت و زیردست وزیر خدمت می‌کرد.

دیوان طغرا که ساخته و پرداخته سلجوقیان و با دیوان انشا منضم بود امور نامه‌نگاری سلطان و دولت را بر عهده داشت و مکتوبات حکومتی را با مهر طغرا رسمیت می‌بخشید. دیوان اشراف که با بخش مالی پیوند داشت، همچون مامور مخفی دستگاه حکومتی همه‌ی رویدادها را گزارش می‌کرد. عارض در رأس دیوان عرض بود. امور لشکری و نظامی دولت بر عهده‌ی این دیوان قرار داشت. ولی به‌تدریج با ظهور اتابکان و قدرت یافتن آنان این دیوان اهمیت خود را از دست داد.

عمید یا عامل، نماینده‌ی کشوری دولت مرکزی یا نماینده‌ی دیوان کشوری در ایالات مختلف بود. در ایالت‌های سلجوقی هم‌ردیف عمید یا عامل، یک حاکم نظامی به‌نام شحنة گمارده می‌شد که مسئولیت امور نظامی منطقه را بر عهده داشت. نهاد دینی هم بر عهده‌ی قاضی و محتسب بود. (حلمی، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۵۴)

#### تأثیرات بیرونی در هنر سلجوقی (زمینه‌ها)

یکی از مسائل اساسی در مورد هنر سلجوقی، جنبه‌ها و وجوه ترکانه‌ی هنرهای این دوره است. سلجوقیان ترک‌نژاد بودند و برخی از پژوهشگران عقیده دارند که آن‌ها نشانه‌ها و نموده‌های خاص ترکانه را وارد هنر و معماری این دوره کرده‌اند. اما از دوره پیش از تهاجم سلجوقیان، نمونه‌های خاص ترکانه در هنرهای تزیینی باقی مانده است. حکام ترک‌نژاد پیوسته از قالب‌های هنر بومی حتی در مناطق پیرامونی بهره‌می‌گرفتند. با این وجود به احتمال قریب به یقین، جنبه‌های هنری ترکان در جواهرآلات، اسلحه و برگ و براق اسب ظاهر شده است. چون همه‌ی این‌ها از اشیاء و آلات شخصی بود، صاحبانشان در کاربرد بعضی از خصوصیات سنتی در آن‌ها تأکید داشتند. سبک معروف «پنخ‌دار» (نوعی تراش اشیاء گران‌قیمت) که در سده‌ی سوم در سامرا رواج داشت، احتمالاً منشأ ترکی داشت که در گنجینه‌ی آثار سیمین که در نهاوند کشف شد و متعلق به سده‌ی ششم است نیز می‌توان منشأ ترکی را مشاهده کرد. این کشفیات شامل ۳۹ عدد زیورآلات شخصی و بعضی از آن‌ها طلا و سیاه‌قلم‌کاری می‌باشد. تعدادی از این اشیاء با سبک پنخ‌دار اجرا شده، از این رو این گنجینه در واقع تأثیر ترکانه‌ی آسیای مرکزی را در هنر این عصر ایران نشان می‌دهد، چنان که بعضی از نقوش قالبی بازتابی از شکل و شیوه‌ی خاص زندگی ترکی است. این امر تا حدودی در مورد سفال‌گری، فلز‌کاری، شیشه‌گری و پارچه‌بافی هم صادق است. (اتینگهاوزن، ۱۳۷۶: ۵۱)

صورت‌های اشخاص رسم شده بر روی سفال‌های مینایی با قیافه‌ی ترکی، بر تأثیرپذیری هنرمندان ایرانی از عنصر ترکی که به ایران مهاجرت کرده بودند تأکید می‌کند. کنده‌کاری روی گچ به شکل سر یک امیر سلجوقی از این دوره باقی مانده که تأثیر عنصر ترکی سلجوقی در این تصویر پیداست. (علام، ۱۳۸۲: ۱۲۶ و ۱۳۸)

عرب‌ها گرفته بودند.

عنصر چینی: سفال‌سازان اوایل دوره‌ی سلجوقی در تقلید از سفال‌های سفید رنگ چینی مهارت یافتند که این کار با اضافه کردن ماده‌ی کوارتز به ماده‌ی که از آن سفال می‌ساختند انجام می‌گرفت. (همان منبع: ۱۳۱ و ۱۴۲)

عنصر ساسانی: گنبد یک جداره که در دوره‌ی سلجوقی متداول شد، محصول تداوم شکل گنبد‌های دوره‌ی ساسانی بود. (مقام و تاریخ هنر اسلامی: ۱)

فاطمیان: هنرمندان سلجوقی در این دوره نوع خاصی از شیشه‌ی سفید فشرده را به تقلید از بلور مرمری ساخته‌ی هنرمندان حکومت فاطمی تولید می‌کردند. هم‌چنین تزئین سفال‌ها به روش لعاب شفاف که در دوره‌ی سلجوقی تکمیل شد برگرفته از هنر هنرمندان مصری و عراقی در عصر فاطمی بود. (علام، همان منبع: ۱۶۳ و ۱۹۴)

### معماری سلجوقی

سبک معماری سلجوقی با اسلوب خاص، ابتکار و زیبایی فراوانش از معماری غزنوی متمایز است. این سبک معماری سبکی منحصر به فرد است و به دلیل عظمت و وسعت ساختمان‌ها و شکوه ظاهری آن‌ها و به کار گرفتن مجسمه‌های تزئینی گوناگون به‌ویژه در جلو و سردر ساختمان‌ها، با سایر سبک‌ها تفاوت‌های چشمگیری دارد. از بزرگترین نوآوری‌های موجود در بناهای سلجوقی، تزئین دیوارها با لوح‌ها یا کاشی‌کاری است. این دوره را می‌توان سرآغاز استفاده از کاشی‌های رنگارنگ در معماری و زمینه‌ای برای رونق و پیشرفت تزئینات در دوره‌های بعدی خواند. صاحب‌نظران هنر معماری معتقدند اوج معماری سلجوقیان بیش از آنکه در تزئینات ظاهر شود، در تناسب و شکل ساختمان‌ها نمود پیدا می‌کند. (حلمی، همان منبع: ۱۸۶ و ۱۸۷)

### مسجد سازی

بنای مساجد ایران در دوره‌ی سلجوقیان تطور یافت. ظهور این دگرگونی از دوره‌ی سلطان ابوالفتح ملک شاه (۴۶۵-۴۸۵ ه ق) شروع شد. در میانه‌ی هر یک از اضلاع صحن مسجد سلجوقی ایوان‌های بزرگی را می‌بینیم که بین آن‌ها ساختمان‌های دو طبقه قرار گرفته است. ایوان قبله وسیع‌تر از سه ایوان دیگر است. ارتفاع مناره‌ها نیز افزایش یافته است. بهترین نمونه سبک این مساجد؛ مسجد جمعه شهر اصفهان است که نظام‌الملک وزیر در حدود ۴۶۶ ه ق در دوره‌ی ملک‌شاه برپا داشت. در نقشه‌ی این جامع ابتکار جدیدی که در دوره‌ی سلجوقی به ظهور رسید به چشم می‌خورد. بدین ترتیب که در وسط هر یک از اضلاع چهارگانه‌ی صحن جامع، ایوان‌های بلند عظیمی قرار دارد که بزرگترین آن‌ها، ایوان قبله است. سه نمونه‌ی این جامع در دوره‌ی سلجوقی انتشار یافت و این سبک مورد تقلید بنای مساجدی قرار گرفت که در ایران پس از آن ساخته شد. مثل مسجدهای جمعه در قزوین، گلپایگان، زواره و اردستان. این نمونه‌ی سلجوقی در مساجد دوره‌ی مغولی نیز تأثیر گذاشت. (علام، همان منبع: ۱۲۲)

کار معماری دوره‌ی سلجوقی عمدتاً معطوف به ساخت مساجد بود. در این دوره بود که اصول معماری مساجد رسمی ایران شکل قطعی به خود گرفت. خصوصیات این مساجد به این شرح است: در ابتدای محور طولی مسجد، ایوان و سردر ورودی قرار دارد که به یک حیاط روباز منتهی می‌شود.

رشته طاق‌های گرداگرد حیاط را چهار ایوان قطع می‌کند که دوتای آن‌ها بر محور طولی و دوتای دیگر بر محور عرضی قرار گرفته‌اند و در پشت رشته طاق‌ها، نمازخانه‌ها جای دارد. ایوان اصلی به شبستان مربع شکلی راه دارد که گنبدی در بالا و محرابی چسبیده به دیوار عقب دارد.

معماران سلجوقی طاق چهارسورا را جایگزین طاق نیمه استوانه‌ای کردند. طاق‌های متقاطع، طاق‌های چهارسورا، طاق‌های چهار بخش فانوسی و طاق‌های تاوهای که توسط معماران این دوره ساخته می‌شد، بیشتر جنبه‌ی تزئینی داشت. (مقام و تاریخ هنر اسلامی: ۲)

در این عصر اسلوب ساخت مساجد با چهار ایوان دنبال شد که به دلیل دشواری ساخت آن فقط در شهرهای بزرگ به کار می‌رفت. تبدیل طاق‌های هلالی شکل به سلسله گنبد‌های کوچک، حاکی از پیشرفت هنر سقف‌سازی بود. گاهی در نگهداری گنبد‌ها از پایه‌های هشت ضلعی به جای دیوار استفاده می‌شد. (حلمی، همان منبع: ۱۸۷-۱۸۸) در نیمه‌ی دوم قرن پنجم هجری در زمان سلجوقیان، سبک مسجد چهار ایوانی از توسعه و تکمیل چهار طاقی ساسانی به‌وجود آمد. (تاجبخش، ۱۱۳۸۱: ۱۱۱)

### مدرسه سازی

یکی از ممیزات این دوره منظم کردن مراکز آموزشی است که جنبه‌ی کاملاً رسمی پیدا کرد و اولین مرکزی که نام مدرسه به خود گرفت، مدرسه‌ای است که در زمان طغرل در شهر نیشابور تأسیس شد. ناصر خسرو در سفری که به سال ۴۴۱ ه به این شهر کرده است وضعیت این مدرسه را بسیار پیشرفته ذکر می‌کند.

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد این‌گونه مدارس، ایمان مذهبی مردم بود که باعث شد مدارس را برای امور خیریه وقف کنند. از بقایای مدرسی مانند خرگرد و ری که باقی مانده می‌توان پی برد که این مدارس دارای حیاط‌های مرکزی و چهار ایوان بوده‌اند. حیاط‌های مستطیل شکل مدارس و گنبد‌های مساجد باعث شد که این سبک ساختمان به زودی از ایران به سایر کشورهای اسلامی منتقل و معمول شود و رفته رفته صحن‌های مساجد با فضای مدارس چندان تفاوت و اختلافی نداشته باشد. همان اصول مسجدسازی در بنای ساختمان این مدارس رعایت می‌شده است با این تفاوت که لزوماً به جای شبستان مسجد، اتاق‌هایی جهت سکونت طلاب در اطراف حیاط مرکزی می‌ساخته‌اند. (پایگاه دانشجویان ترکمن ایران)

بنای مدرسه از جمله بناهای مذهبی این دوره و دارای ویژگی‌هایی بود از جمله صحن چهار ایوانی، که ریشه‌ی ایرانی داشت.

### مقبره‌ها، مناره‌ها و برج‌ها

مقابر برجی در دوره‌ی سلجوقی از اهمیت خاصی برخوردار بود. این نوع مقبره‌ها بیشتر در آذربایجان و سرحد‌های قونیه یافت می‌شود. از جمله نمونه‌های برجسته‌ی این نوع ابنیه، خلیفه غازی در آماسیه و مقبره‌ی برجی درون مسجد سلطان علاءالدین در قونیه و مقابر برجی واقع در اخلاط و قیصریه را می‌توان نام برد. پوشش این مقبره‌ها از سنگ است. نقشه‌ی آن‌ها معمولاً به صورت هشت ضلعی بوده و سقف‌های مخروطی شکل دارند. نمای خارجی با طاق نماهایی که به صورت برجسته بر بدنه‌ی سنگی بنا حک شده، تزئین گردیده است. بیشتر مقبره‌ها چهار پنجره یا سردر دارند. درون مقبره اغلب ساده است و همیشه با یک گنبد داخلی که از سنگ تراشیده

ساخته شده، پوشانده می‌شود. این بناها به‌ندرت دارای پله است و برای ورود به آن‌ها احتمالاً از نردبان استفاده می‌شده است. (کانون حکمت و فلسفه: ۲)

ساختن مقبره‌ها به‌عنوان بناهای مقدس در ایران مدیون سلجوقیان است. آن‌ها همچنین در تطور مقابر برجی که پیش از آن در ایران رواج داشت کوشیدند. این مقبره‌ها به دو شکل بود: مقبره‌ی برجی شکل با روش مذهبی که گنبدی آن‌را می‌پوشانید و دیگری برجی که دارای سقف مخروطی بود. این برج‌ها یا با پایه‌های دایره‌ای شکل یا چند ضلعی (۴ یا ۸ یا ۱۰ ضلعی) ساخته می‌شد. از امتیازهای این مقبره‌ها، دیوارهای مزین به خشت‌های آجری آن‌هاست مثل دو مقبره در خرقان در سر راه بین همدان و قزوین. مقبره‌های گنبددار محل دفن بزرگان دینی و حکام و صاحبان قدرت بود. اما برج‌هایی که دارای سقف کلاهک مخروطی هستند، این‌گونه مقبره‌ها در ایران رواج یافت که دیوارهای آن در ابتدای امر، استوانه‌ای شکل صاف بود. مثل مقبره‌ی پیر علمدار در دامغان. گاهی روی سطح این مقابر شیارهای عمیق اصلی ایجاد می‌گردید. مثل مقبره‌ی رادکان در بخش چناران مشهد که بعضی معتقدند این شکل از روی چادرهای قبایل مغول که در سرزمین ماوراءالنهر سکونت داشتند، گرفته شده است. (علاّم، همان منبع: ۱۲۳-۱۲۴)

مناره‌ها در دوره‌ی سلجوقی رشد زیادی کرد. احتمالاً احداث مناره، ابتدا در سوریه رایج بوده است و بعداً ایرانیان از آن اقتباس کرده‌اند. با این تفاوت که در سوریه مناره‌ها را چهارگوش و با سنگ می‌ساخته‌اند و در ایران مناره‌ها را مدور با پایه‌های چهارگوش یا شش‌گوش احداث می‌کردند و با تزیینات آجرکاری ظریف و کتیبه‌های کوفی زیبا و مقرنس‌کاری آرایش می‌داده‌اند. (تاجبخش، همان منبع: ۱۴۵) از قرن ششم هجری استفاده از مناره‌های استوانه‌ای شکل مرتفع در ایران رواج یافت، ولی مؤذن به دلیل ارتفاع بسیار بلند مناره، بر بام مسجد اذان می‌گفت. به اعتقاد متخصصان، مناره‌های به‌جای مانده از دوره‌ی سلجوقی، بهترین نمونه‌ی صنعت آجرکاری می‌باشند. از نشانه‌های بارز عصر سلجوقی آن است که قسمت بالایی مناره‌ها تیره رنگ بود.

در اواخر عصر سلجوقی مناره‌ها دارای سه قسمت بودند که هر قسمتی نسبت به قسمت زیرین کوچک‌تر بود. این مناره‌ها با نقش‌هایی تکراری از آجر تزیین می‌شد که تمام یا قسمتی از جداره‌ی مناره را می‌پوشاند. در اواخر این دوره همچنین در تزیین مناره‌ها به مقدار کمی از کاشی استفاده می‌شد. همچنین در این عصر ساخت برج‌های آجری مرتفع در آرامگاه‌ها رواج یافت. (حلمی، همان منبع: ۱۸۸-۱۸۹)

### هنرهای تزیینی

**سفال سازی:** سفال‌های سلجوقی در ایران مراکز متعددی داشت که مهم‌ترین آن‌ها دو شهر ری و کاشان بود. هرچند سفال‌سازی از ابتدای دوران اسلامی رشد کرد اما در دوره‌ی سلجوقی امتیاز برجسته‌ی آن این بود که در سفال‌های این دوره لعاب‌های بزاق با یک رنگ یا با رنگ‌های متعدد یا در روش تزیین ظرف‌ها با طرح‌های کنده‌کاری یا برجسته و مجسمه‌ای و همچنین به سبک‌های تزیینی توخالی و مشبک دست یافتند. سفال‌سازان اوایل دوره‌ی سلجوقی در تقلید از سفال‌های سفید رنگ چینی مهارت یافتند و این کار با اضافه کردن ماده‌ی کوارتز به ماده‌ای که از آن سفال می‌ساختند انجام می‌گرفت. نوعی سفال در این دوره رواج یافت به

اسم «لقبی» (lakabi) به معنی رنگین که به طبقه‌ی حاکمه اختصاص داشت. از ویژگی‌های سفال‌سازی این دوره تزیین ظرف‌ها با اشکال زیر لعابی و لعاب شفاف بود که به اوج شکوفایی خود رسید. این روش در قرن سوم در عراق و مصر معمول بود. و چه بسا که این صنعت در ایران مدیون مصری‌هایی باشد که بعد از سقوط فاطمیان به خدمت سلجوقیان درآمدند. از دیگر سفال‌ها آجرهای لعابدار بود که به کاشی معروف شد و همچنین نوعی از سفال که دارای تزییناتی به رنگ‌های متعدد بر روی لعاب بود که به سفال «مینایی» معروف شد. در این ظرف‌ها موضوعاتی از افسانه‌های ایرانی به چشم می‌خورد مثل داستان بهرام گور، آزاده یا تصاویری از شاهنامه. (علاّم، همان منبع: ۱۳۲-۱۳۸)

سفال‌گران با حمایت سلجوقیان و سلاطین پس از آن‌ها، از جمله خوارزمشاهیان، باشکوه‌ترین نوع سفالگری اسلامی، و در کل عالی‌ترین نوع آن را به‌وجود آوردند. می‌توان گفت به جز چینی‌ها، هنرمندان سلجوقی تمام



انواع سفال را در این عصر می‌شناختند. برخی از مجموعه‌های زیبایی سفالی این دوره که در مکان‌های مختلفی کشف شده‌اند نزد متخصصان به نام سفال «جیری» موسوم هستند.

سفال چینی و نوع دیگری از آن بنام «قلی» که لعاب سستی داشت، به همین شیوه ساخته می‌شدند و شکوفایی هنر سفال چینی در شهرهای بزرگ تنها به دلیل آسانی ساخت آن بود. انواع سفال‌ها با تزییناتی از نقره، فیروزه و یا زبرجد و تصاویری از پرندگان، گیاهان و ماهی‌ها و دیگر حیوانات تولید می‌شد.

از بهترین تولیدات سفال‌گران سلجوقی، کوزه‌های دولایه معروف به «توری» بود که بر سطح خارجی هر دو لایه‌ی آن، نقوش منحنی به چشم می‌خورد. از دیگر تولیدات برتر، سفالی معروف به «مینایی» و نیز جام‌های شفاف بود که با تغییر نور، رنگ‌های مختلفی پیدا می‌کرد. هنرمندان سلجوقی

به نوعی از سفال بدون رنگ و روغن، دست یافتند که در خاور نزدیک به‌ویژه عراق رایج شد. در اواخر عصر سلجوقی، سفال‌های براق تاریخ‌نگاری شد و کاشی‌ها یا آجرهای قرمز رنگ معماری و سفال‌های چند رنگ به‌وجود آمد. متخصصان معتقدند که بهترین مینیاتورها روی ظرف‌های سفالی عهد سلجوقی نقش زده می‌شد. (حلمی، همان منبع: ۱۹۴ و ۱۹۵)

چون هماهنگی بسیاری بین نقاشی‌های دوران سلجوقی با تصاویر روی ظروف مینایی دیده می‌شود در بعضی از ظروف مینایی علاوه بر نقوش رنگارنگ، خطوط برجسته‌ی قالبی هم دیده می‌شود که به عنوان تزیین در حاشیه‌ی ظرف به کار می‌رفته است، یا گاهی این نقوش برجسته‌ی قالبی سطح تمام ظرف را می‌پوشانده است. (تاجبخش، همان منبع: ۱۷۱)

در بعضی از سفال‌ها، بعضی از خصوصیت‌های حیوانی و با روح بودن پاره‌ای از حیوانات را می‌توان به جماعت روستایی نسبت داد که در تماس مستقیم با طبیعت بودند. دامنه‌ی وسیع، ظرافت فنی و غنای طراحی سفالینه‌ها، حاکی از ظهور و ثبات اجتماعی در پیشه‌ی سفال‌گری است که وفور امضای سفال‌گران حتی بر روی سفالینه‌های غیرلعابی از دلایل آن است. هم‌چنین در ساخت ظروف برنجی از نقوش سفالینه‌ها تقلید می‌شد. از این‌ها گذشته، سفالینه‌ها با ادبیات نیز پیوند خورد؛ اول اینکه تعدادی از صحنه‌های حماسی ملی بر روی ظروف و کاشی‌ها ظاهر شد. همه‌ی این‌ها امروزه بسیار ارزشمند هستند چون از این دوره نسخه‌های مصوری از حماسه‌ی ملی ایران (یعنی) شاهنامه موجود نیست. دوم اینکه، بر روی سفالینه‌ها بارها از اشعار شعرا، چه بیتی از شاعران نامداری چون فردوسی یا نظامی یا رباعی گمنامی یا عشق ناکام، استفاده می‌شد. (اتینگه‌اوزن، ۱۳۷۶: ۵۴)

### فلزکاری:

رسیدن سلجوقیان به شرق ایران، آغازگر درخشان‌ترین عصر در تاریخ هنر فلزکاری اسلامی بود. هنرمندان عصر سلجوقی، مبتکرانه ظروف طلایی و نقره‌ای را با اشکال جدید تزیین می‌کردند. قدرت، شکوه، دقت و زیبایی از ویژگی‌های تولیدات آن‌ها بود. یکی از اسلوب‌های هنری به‌کار رفته آن بود که بر لوحه‌هایی از نقره‌ی خالص یا نقره‌ی مخلوط با طلا، تصاویری حفر می‌کردند و در خطوط حفر شده، مرکب داغی از مس، سرب، جوش شیرین، کبریت و نمک آمونیاک می‌ریختند و پس از سرد کردن آن و جلادادن لوحه، رنگ سیاه بر زمینه‌ی روشن نمایان می‌شد و تصاویر واضح‌تر و دقیق‌تر به چشم می‌آمد.

از جمله شهرهایی که با تولید آثار هنری فلزی در دوره‌ی سلجوقی شهرت یافته بودند؛ همدان، ری، نیشابور، مرو، هرات و سرزمین‌های عراق به‌ویژه موصل و سوریه بودند. (حلمی، همان منبع: ۱۹۵-۱۹۶)

اهمیت فلزکاری سلجوقی بیشتر شامل نقره‌کاری است. مرصع‌کاری و استفاده از نقش جانوران خیالی در فلزکاری این دوره رواج داشت. (تاجبخش، همان منبع: ۱۹۱ و ۱۹۳) در نقش‌های هنرمندان خراسان و هرات روی اسباب و آلات فلزی تأثیر عناصر تزیینی رایج در ساخته‌های دوره‌ی پس از ساسانی نمودار است. هم‌چنین عطردان یا بخوردانی به‌دست آمده که به شکل شیر بوده و احتمالاً برگرفته از هنر دوره‌ی فاطمیان است که به شکل حیوان یا پرنده می‌ساختند.

از ویژگی‌های فلزکاری این دوره نوشتن تاریخ و نام سازنده‌ی آن بر روی ظروف است و حروفی به خط نسخ و کوفی نیز می‌نوشته‌اند که دنباله‌ی این

حروف به اشکال سر انسانی یا حیوانی منتهی می‌شود و این ابتکاری است که به سلجوقیان نسبت داده‌اند. در ظروف فلزی ابتکار سلجوقیان این بود که انتهای حروف خطی نسخ به اشکال سرهای انسانی ختم می‌شود. (علاّم، همان منبع: ۱۳۰)

**آجر و کاشی‌کاری:** یکی از تازه‌ترین روش‌هایی که سلجوقی‌ها در تزیینات دیوار بناها به کار می‌بردند پوشش دیوارها با آجر و کاشی است. از امتیازهای روکاری دوره‌ی سلجوقی، در هم آمیختن روش تزیینات آجری با تزیینات معماری است.

شهرت شهر کاشان در دوره‌ی سلجوقی به آجرهای لعابدار مخصوصی بود که به کاشی شهرت یافت. موضوع تزیینی این کاشی‌ها، شکل‌های افسانه‌ای ایرانی مثل داستان بهرام گور و زنتش آزاده یا تزیینات گیاهی و تخیلی است. هم‌چنین کاشی‌هایی با نوشته‌های حروف بزرگ برای پوشش محراب‌ها ساخته می‌شد. (همان منبع: ۱۲۶ و ۱۳۶)

کاشی‌های سلجوقی نوعی سفال لعابدار شفاف به رنگ‌های مختلف و متعدد و با تزیین خطوط زیبای کوفی و نسخ، ثلث و تصاویر اسلیمی و توریقی به اشکال چهارگوش یا ستاره‌ای ساخته می‌شد که در کاشی‌کاری محراب مساجد و گاهی در تزیین دیوار منازل نیز به کار می‌رفت. برخی از بهترین محراب‌های سفالین دوره‌ی سلجوقی کار خاندان ابی‌طاهر از هنرمندان بزرگ سفال ساز کاشان است. (تاجبخش، همان منبع: ۱۷۹)

**کنده‌کاری روی سنگ و گچ و آجر سفالی:** از امتیازات دوره‌ی سلجوقی، به کار بردن روش کنده‌کاری روی سنگ و گچ در تزیین دیوارهای داخلی و خارجی و استفاده از خشت‌های آجری در آثار تزیینی است. چنین معروف است که این روش تزیین پیش از ظهور اسلام در آسیای میانه رواج داشته اما سلجوقیان این هنر را به درجه‌ی کمال خود رسانیدند. بهترین نمونه‌ی آن سه محراب در جامع اردستان مزین به موضوع‌های گیاهی درهم است که زمینه‌ی محراب را می‌پوشاند. این عناصر همانند تزیینات گل و بوته‌ای مملوکی است که در عصر مملوکی‌ها به ظهور رسید.

در دوره‌ی سلجوقی، عناصر انسانی و حیوانی در کنار تزیینات گیاهی و هندسی و خطی به کار گرفته می‌شد و موضوع‌های آن بیشتر، از منظره‌های مجلس‌ها و محفل‌های کاخ و شکارگاه‌ها که در بیشتر آن‌ها اصولی از ساسانی گرفته شده، به چشم می‌خورد. (علاّم، همان منبع: ۱۲۵)

در دوره‌ی سلجوقی استفاده از گچ در تزیینات، نه تنها در مساجد بلکه در کاخ‌ها و خانه‌های اشراف نیز بسیار متداول بود. تصاویر تزیینی عبارت بود از صحنه‌های شکار و مناظری از دربار، عمق کنده‌کاری‌ها در بعضی موارد آن قدر زیاد بود که به مجسمه‌سازی شباهت داشت. این نقوش برجسته‌ی گچی عمدتاً در ری و ساوه یافت می‌شود. پس از تسخیر سوریه و آسیای صغیر به‌وسیله‌ی سلجوقیان، تغییرات جدیدی در روش حجاری به‌وجود آمد. قبل از سلاجقه تزیینات ساده رواج داشت ولی در این دوره ترسیم نقوش انسان و حیوان ممول گردید که در بیشتر بناها و پل‌ها دیده می‌شود و اختلاف گچبری سلجوقی با دوران قبل از آن همین است یعنی نقوش انسان و حیوان. (تاجبخش، همان منبع: ۱۵۵ و ۱۵۸)

از مشخصات کنده‌کاری سلجوقی تقسیم سطح به قسمت‌های مساوی است. هنرمندان مغولی و تیموری نیز از همین شیوه استفاده می‌کرده‌اند. در این عصر رنگ‌کاری بر روی تزیینات حفرشده‌ی گچی، رواج پیدا کرد.

هنرمندان پیاله‌هایی را کنده‌کاری و سپس آن‌ها را به ردیف بر روی دیوار نصب می‌کردند، به گونه‌ای که با نقش‌های هم‌رنگ آن‌ها روی دیوار، تناسب پیدا می‌کرد.

تشابه تزیینات در بناهای اسلامی و مسیحی بر این دلالت دارد که حاکمان سلجوقی از کنده‌کاران مسیحی در کنار کنده‌کاران مسلمان بهره می‌گرفتند. (حلمی، همان منبع: ۱۹۰)

روی سنگ قبرهایی که از قرون چهارم تا ششم باقی مانده است کنده‌کاری‌هایی دیده می‌شود که همان مشخصات طراحی پارچه‌ای این دوره را در بر دارد. بهترین آن‌ها از مرمری است به‌رنگ عاج که با طرح‌های خانه‌خانه تزیین شده و پر از نوشته‌های گوناگون است. این خطوط دو طرح محراب را که رو به خانه‌ی کعبه قرار گرفته و راهنمای روح میت به سوی سعادت ابدی است در بر گرفته‌اند. این لوح ریزه‌کاری حریر و قدرت و نیروی معماری را در بر دارد. طاق‌های رومی تیز و نوک دراز آن با گل‌های چهار پری که در گوشه‌ی طاق رسم شده مقدمه‌ی هنری است که تاریخی دراز در پی داشت و در معماری آسیای مرکزی و هندوستان پیشرفت‌های بزرگ کرد. طاق‌نماهای شبدری داخل، شاید انعکاسی از طاق‌های شبدری بودایی باشد که با اشیاء قابل حمل این فرقه به هر جا می‌رفت و در همه‌ی هنرها نفوذ می‌کرد. این هنر در آسیای مرکزی بسیار رایج بود و شاید سلجوقیان در همانجا با این آثار آشنا شده باشند. بعدها در دوره‌ی سلجوقیان این طرح چنان رواجی یافت که می‌توان گمان برد که ایشان آن را با فتوحات خود به نواحی مختلف ایران آورده باشند. (آپهام پوپ، ۱۳۳۸: ۷۹)

**مجسمه سازی:** تعدادی از مجسمه‌های سفالی دوره‌ی سلجوقی به شکل سر انسان یا پرندگان یا حیوانات مزین به لعاب شفاف است و نمونه‌ی آن مجسمه‌ای به شکل پرنده با سر انسان است که در ری بدست آمده است. برجستگی زیاد تزیینات انسانی دیوار به درجای می‌رسید که گاهی شکل مجسمه‌ای کامل را به خود می‌گرفت. یکی از بهترین نمونه‌های آن کنده‌کاری سر امیر سلجوقی است که در چهره‌ی این امیر تأثیر عنصر ترکی سلجوقی پیداست. (علاّم، همان منبع: ۱۲۶ و ۱۴۰)

**فرش بافی:** در دوره‌ی سلجوقی فرش بافی پیشرفت چشمگیری کرد. از فرش‌هایی که باقی مانده امروز چند نمونه در موزه‌ی آستانه وجود دارد که به سلاجقه‌ی روم تعلق دارد. دورتا دور را حاشیه‌ای از خط نوشته‌های کوفی فرا می‌گیرد که به سختی خوانده می‌شوند. این نوشته‌ها با رنگ‌های قرمز و آبی در طیف‌های گوناگون کم رنگ و پر رنگ دیده می‌شوند.

در عصر سلجوقی، تحت تأثیر دو اسلوب مختلف پیشرفتی آشکار و تحولی همگانی در هنر بافندگی آغاز شد؛ نخست، اسلوب چینی در کشیدن دقیق گیاهان و پرندگان و حیوانات بود که ایرانیان آن را به‌کار می‌بردند. دوم، اسلوب اسلامی در جزیره‌ی فراتیبه در به‌کارگیری گیاهان و نوارهای باریک به جای تزیینات عصر ساسانی بود. با آنکه اسلوب ساسانی در طرح یافته‌ها، به طور آشکار تا اوایل عصر سلجوقی باقی مانده بود، ولی اندک اندک رو به انحطاط گذاشت و روش‌هایی مرکب از شیوه‌های اصیل اسلامی در تزیینات جایگزین آن شد.

زیبایی پارچه‌های سلجوقی در یک نوع آن، که برتر از پارچه‌های عصر گذشته بود متجلی شد. بافنده به پارچه‌های درخشان توجه زیادی نمی‌کرد؛ بلکه بین طیف‌های مختلف برخی رنگ‌ها با تفاوت ناچیزشان، به‌ویژه

طیف‌های درخشان یا تیره رنگ آبی و بنفش و سیاه یا سبز به رنگ گُرک شتر و سفید و یا قرمز توجه می‌کرد.

تصاویر و اشکال حتی در دوره‌ی شکوفایی سلجوقیان دارای خطوط پیچ و خم دار یا شکسته بود، اما بعدها این شیوه متحول و به سبک خالص سلجوقی تبدیل شد. شیوه‌ای که با زیبایی و تناسب اشکال و انحنا‌ی خطوطش از سایر شیوه‌ها متمایز می‌شد.

در اوایل عصر سلجوقی، پارچه‌ها طرحی ساده داشتند و در حجم زیاد تولید می‌شدند اما بعدها طرح‌ها دقیق‌تر و پیچیده‌تر شدند. دوست داشتنی‌ترین پارچه‌ها نزد آنها، پارچه‌هایی با بافت مورب یا با تار و پودهای فراوان بود، گرچه در همان دوره پارچه‌های بسیاری مرسوم بود. از جمله دو نوع از بافته‌های یاد شده، پارچه‌های اطلسی و پارچه‌های حریر بود که رنگ آن با تغییر نور تغییر می‌کرد. وجود پنجاه قطعه از حریر بسیار خوب در مقبره‌های



سلجوقیان در ری، دلالت بر مهارت هنری آن‌ها در تهیه‌ی مجموعه‌ای از نوشته‌ها و تصاویر انسان و حیوانات داشت. (حلمی، همان منبع: ۱۹۲-۱۹۴) زیبایی پارچه‌های باقی مانده از دوران سلجوقی مربوط به مشخصاتی است که کاملاً با دوره‌های قبل از آن تفاوت دارد. بافنده‌ی سلجوقی علاقه‌ای به رنگ‌های متنوع ندارد و اغلب دو رنگ آبی کمرنگ یا سورمه‌ای و سیاه یا سبز را روی زمینه‌های سفید و سرخ به‌کار می‌برد است. (تاجبخش، همان منبع: ۲۱۱) در منسوجات دوره‌ی سلجوقی موضوعات رایج در ایران پیش از اسلام رواج داشت مثل درخت زندگی که اطراف آن را مجموعه‌ای از پرندگان و شیرهای بالدار فرا گرفته بود.

**شیشه‌گری:** هنر شیشه‌گری و آنگینه در عصر سلجوقی به شکوفایی

رسید. هنرمندان این دوره موفق شدند نوع خاصی از شیشه‌ی سفید فشرده را به تقلید از بلور مرمی ساخته‌ی هنرمندان حکومت فاطمی، تولید کنند. هنرمندان سلجوقی هدایای کوچکی از شیشه و به شکل حیوان می ساختند که نمونه‌ی آن ماهی شیشه‌ای موجود در ری است. از قرن ششم هجری در سوریه شیشه‌های ساخته شده میناکاری می‌شد. صنعت میناکاری مخصوص به سوریه نبود بلکه در شیراز، همدان، نیشابور، سمرقند، ری و ساوه نیز رونق داشت و نمونه‌های کشف شده از این مناطق شاهد این سخن است.

**خطاطی:** خطاطان به دلیل نگارش نسخه‌های قرآن کریم و کتب ادبی و اشعار مورد پسند ایرانیان در عالم اسلام به طور عام و در ایران به طور خاص، از گران پایه‌ترین هنرمندان به شمار می‌آمدند. علمای دینی به دلیل رضایتشان از خطاطان، در پیشرفت هنر خوشنویسی مؤثر بوده‌اند. خطاط به عمق جایگاه خود در قلب‌ها آگاه بود، از این رو نامش را با افتخار ذیل نگاشته‌ی خود می‌نوشت.

خطاهای رایج در عصر سلجوقی بسیار بود، حتی راوندی مؤرخ ذکر می‌کند که او هفتاد نوع خط را فرا گرفته بود. سلجوقیان دو نوع خط کوفی و نسخ را بیش از سایر خطوط به کار می‌بردند. در روزگار سلجوقی‌ها خط نسخ به نهایت رشد و کمال خود رسید. خط نسخ به عراق رفت، نوشتن و خطاطی به واسطه‌ی آن پیشرفت کرد و بر سردر مساجد، مناره‌ها و گنبد‌های بغداد نقش بست. خط کوفی ایرانی در قرآن‌های سلجوقی تحول بزرگی ایجاد کرد به طوری که دیگر نیازی به تذهیب آن‌ها نبود. منظور از خط کوفی ایرانی، خطی است که خطاطان ایرانی با بهره‌گیری از خط کوفی عباسی اختراع کردند، با این تفاوت که در آن مدّ نمود بیشتری نسبت به جر داشت. برخی از آیات که به خط کوفی نوشته می‌شده بالاترین تزیین به شمار می‌آمد. این نوع تزیینات خط کوفی را در بناهای سلجوقی و در برخی نقشه‌های دیواری می‌توان یافت. از میان خطاهای کوفی نوعی خط موسوم به کوفی «مُزهر» شهرت یافت.

در برخی نوشته‌های روی کاغذها، مهارتی در جمع بین نوشتن زیبا و تزیینی شگفت انگیز، در شکل درختواره به چشم می‌خورد که به آن «مداد البنی» می‌گفتند. به کار گیری ورق در عصر سلجوقی رواج یافت به گونه‌ای که از پوست، جز در موارد نادر استفاده نمی‌شد.

**تذهیب:** تذهیب در بیشتر اوقات با هنر خطاطی همراه بود و به واسطه‌ی آن ارزش پیدا می‌کرد. در عصر سلجوقی روش جدیدی در تزیین و تذهیب آغاز شد و استفاده از آن در عصرهای بعد ادامه یافت. روش جدید این بود که سطرهای نوشته شده با خط‌های باریکی احاطه و فضای خارج خطوط با نقش‌های مختلف گیاهی پر می‌شد. از تصاویری که در این نوشته‌ها بسیار استفاده می‌شد، ستاره‌های شش گوش، هشت گوش و برگ‌های درخت نخل بود.

سلجوقیان، تذهیب کاران را با ارزش‌ترین هنرمندان به حساب می‌آوردند و عجیب نبود که امیران، بزرگان و دانشمندان دین و ادب، هنر تذهیب را فرا گیرند. تذهیب کاران در آن هنگام به دلیل نیاز هنرشان به مواد گران قیمتی مثل طلا، سنگ لاجورد و کاغذهای مرغوب، از پشتیبانی و تشویق بزرگان، برای تضمین شکوفایی هنرشان بی‌نیاز نبودند. (حلمی، همان منبع: ۱۹۰ و ۱۹۱)

راجع به قدیمی‌ترین کتب خطی که تذهیب آن را می‌توان به ایران نسبت داد، مربوط به دوره‌ی سلجوقی است. و امتیاز این کتاب‌ها این است که بیشتر آن‌ها روی کاغذ و با خط نسخ نوشته شده است. ابتکار جدیدی که در تذهیب دوره‌ی سلجوقی به کار برده شد این بود که دور سطرهای نوشته شده را خط کشی می‌کردند و بعد صفحه را از خارج این خط‌های نازک با اشکال نباتی زینت می‌دادند. (تاجبخش، همان منبع: ۲۳۳ و ۲۳۴)

**نقاشی:** بعد از اسلام در ایران از اوایل قرن چهارم هجری فن نقاشی در کتب خطی ایرانی دیده می‌شود و نصرین احمد سامانی نسخه‌ی ترجمه شده‌ی کلیله و دمنه را به وسیله‌ی نقاشان چینی مصور می‌کند. فن نقاشی در ایران رواج و رونق کلی داشته و در اول کار آن را در توضیح مطالب کتاب‌های تاریخ و دیوان‌های شعر و قصص و حکایات به کار می‌بردند و این کتاب‌ها را با صورت‌های کوچک و ظریف با رنگ‌های زیبا و درخشان زینت داده‌اند. از لحاظ فنی در ادوار چهارگانه مهم تاریخ اسلامی ایران، در نقاشی سه چهار سبک یا مکتب مهم و بزرگ در ایران بر سر کار آمده است؛ مکتب سلجوقی یا عراقی، مکتب مغولی که در قرن هفتم و هشتم هجری به وجود آمده و پس از آن مکتب تیموری و به خصوص مکتب هرات که در دو قرن هشتم و نهم هجری بوده است. پس از آن‌ها نوبت مکتب صفوی می‌رسد که در دو قرن دهم و یازدهم هجری رواج یافت.

مکتب عراقی یا مکتب بغداد عربی بودنش بر جنبه‌ی ایرانی غالب است، زیرا در اشکال و تصاویر آن سیمای سامی بیشتر ظاهر است و این روش تا اندازه‌ی زیادی از صور و نقوش کتب خطی مسیحی‌های پیرو کلیسای شرقی (نسطوری) گرفته شده است.

مکتب سلجوقی معاصر با مکتب بغداد بوده که در کشیدن صورت اشخاص و رنگ‌آمیزی با همان رنگ‌های درخشان و نمایش دادن آن‌ها با لباس‌های زرنشان و سیمای آرام که سادگی و قوت تعبیر را شامل بوده شباهت کلی به مکتب بغداد داشته است. در این دوره تصاویر کتاب روی همان صفحه که مراد نقاشی‌کردنش بود کشیده می‌شد ولی در دوره‌های بعد چنین مرسوم شد که صورت را روی ورق دیگری می‌کشیدند و بعد روی صفحه در همان جای خالی که خطاطان برای این منظور در صفحه‌ی کتاب باقی می‌گذاشتند، می‌چسباندند.

اگر نقوش و آثاری که نسبت به مکتب بغداد یا عراق می‌دهیم منسوب به مکتب سلجوقی کنیم و نام مکتب سلجوقی را بر آن‌ها اطلاق کنیم خیلی بهتر و مناسب‌تر می‌باشد. زیرا در واقع مرکز آن‌ها تنها بغداد یا عراق نبود بلکه در سراسر کشور پهناور سلجوقی رواج داشت و نقاشان اعم از ایرانی و عرب، همه برای حکمرانان و سلاطین و امراء سلجوقی کار می‌کردند. و شاید شباهت این تصاویر به رسوم و نقاشی سفال و چینی مینایی ایران که بزرگترین مرکز آن شهر ری بود بزرگترین دلیل منسوب نمودن آن‌ها به ایران باشد.

بعضی از کتب خطی از مکتب سلجوقی هنوز باقی است که نقاشی‌ها و صور این کتاب‌ها از سایر صور و رسوم دوره‌ی سلجوقی ممتاز است، به خصوص که این صور بر روی صفحات کتاب‌ها کشیده نشده بلکه یک زمینه‌ی آن‌ها را از متن کتاب جدا می‌کند. این زمینه دارای رنگ‌های متعدد نیست و سطح آن‌ها را یک رنگ، که غالباً قرمز است می‌پوشاند. بعضی از

و اعتقادات آنان می‌پرداخت و از سوی دیگر در مدح اعتقاد و مذهب خود بود.

در عصر سلجوقی، شعر و نثر در پی از محدوده‌ای که در دو قرن چهارم و پنجم هجری داشت فراتر رفت و در عراق و آذربایجان نیز رواج یافت. به دنبال این رواج، الفاظ و ترکیبات بسیاری از دیگر لهجه‌های محلی ایرانی به لهجه ی در پی وارد شد. علاوه بر آن، با تدریس زبان و ادبیات عربی در مدارس و توجه ادیبان به آثار ادبی، زبان فارسی با کلمات مفرد و مرکب عربی درهم آمیخت. این افراد تعداد زیادی از اشعار و متون عربی را به عنوان شرط اساسی نوشتن و سرودن شعر حفظ می‌کردند. نفوذ عربی در زبان فارسی محدود به ترکیبات و به‌کارگیری آن‌ها نبود، بلکه قوانین وضع

کتاب خطی هم در دست داریم که در اواخر قرن هفتم هجری نوشته شده می‌توان آن‌ها را حلقه‌ای اتصال بین مکتب سلجوقی و مکتب مغولی ایرانی که پس از آن بوده دانست و از مهم‌ترین این کتاب‌ها، کتاب «منافع الحیوان» ابن بختیشوع است که در سال ۶۹۹ هجری در مراغه برای غازان خان نوشته شده است. (محمد حسن، ۱۳۲۰: ۸۸-۹۱)

کراهت بزرگان دین به هنر تصویرگری در ایران سبب رکود این هنر و اشاعه نیافتن آن شد، عموم مردم از این هنر بهره‌ی چندانی نداشتند و تنها برخی پادشاهان و امیران داعیه‌دار آن بودند. در تاریخ تصویرگری، مدرسه‌ای به نام «مدرسه‌ی بغداد یا عراق» منسوب به عصر سلجوقی وجود داشت که نخستین مدرسه‌ی تصویرگری در اسلام محسوب می‌شود. تصاویر این مدرسه از نظر دقت رنگ‌ها و زیبایی و تعادل آن، از تصاویر غربی معاصر آن چیزی کم نداشت. شاگردان آن‌ها اسلوب نقاشی و تصویرگری را از پیروان مذهب مانی در معابد و دیرهای شرق ترکستان فرا می‌گرفتند. (حلمی، همان منبع: ۱۹۲) این مدرسه در شمال عراق شکل گرفت که به تزیین کتاب‌های یونانی ترجمه شده در علم طب و طبیعت و گل و گیاه و حیوان اختصاص داشت و مرکز آن موصل بود. مراکز دیگر در دیاربکر و ماردین شکل گرفت. در نقاشی‌های این کتاب‌ها تأثیر نقاشی بیزانسی - ایرانی و عربی به چشم می‌خورد که بیشتر الهام گرفته از نقاشی بیزانسی بود. نقاشی‌های مکتب بغداد دوره‌ی سلجوقی، آخرین مراحل هنر نقاشی عربی اسلامی به شمار می‌رود، زیرا پس از آن روش جدید یعنی سبک مغولی ایران رایج شد. تأثیر هنر سلجوقی بر مکتب نقاشی موصل آشکار است. همچنین در هنر اتابکان برخی از تأثیرات محلی بیزانسی و ایرانی در سوریه و عراق هویدا است. (علام، همان منبع: ۱۷۳)

### ادبیات عصر سلجوقی

در عصر سلجوقی زبان عربی، زبان رسمی و نوشتاری بود و پادشاهان فرمان‌های خود را به زبان عربی صادر می‌کردند. با بر تخت نشستن آلب ارسلان و فرمان او که دیوان‌ها به زبان فارسی باشد، زبان فارسی رو به رشد و کمال گذاشت. با رواج زبان فارسی، ادبیات فارسی نیز رشد و رواجی قابل توجه یافت که ریشه در تلاش‌های شعرا و نویسندگان پیش از آن در زمینه‌ی شعر و نثر داشت. حاکمان سلجوقی نه تنها از ادبیات حمایت می‌کردند، بلکه برخی از آنان خود ادیبانی سخنور بودند و وزیرانی بی‌همتا و علاقه‌مند به علم و ادب داشتند. کسانی همچون دانشمند روشنفکر، عمیدالملک کندری و دانشمند ادیب نظام‌الملک طوسی، که تلاش این دو وزیر در عرصه‌ی علم و ادب را نمی‌توان انکار کرد.

در این عصر، مراکز ادبی فارسی منحصر به شرق ایران نبود بلکه در عراق و آذربایجان و نقاط دیگر هم دیده می‌شد. بدون شک وجود این مراکز جدید، فرصتی برای ظهور شماری از شاعران و نویسندگان جدید فراهم می‌کرد. پیروزی‌های سلجوقیان سبب شد زبان فارسی در سرزمین‌های فتح شده گسترش یابد و از آن دیار شاعران و نویسندگان سر برآورند.

از عوامل دیگر در توسعه‌ی دامنه‌ی زبان فارسی و رواج آن در عصر سلجوقی استفاده از نثر و شعر فارسی در خانقاه‌ها بود. درگیری‌های مذهبی نیز در نوع خود از عوامل توسعه‌ی ادبیات فارسی در این عصر بود. این درگیری‌ها سبب ایجاد نهضتی در تألیف کتاب‌های علمی فارسی به دست افراد مذهبی شد. کتاب‌هایی که از یک سو به رد دشمنان و نکوهش مذهب

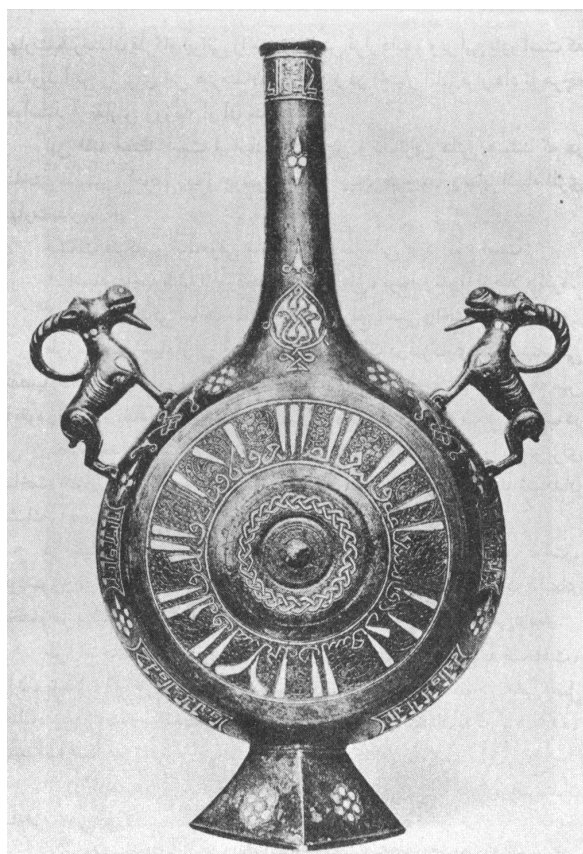
شده‌ی آن زبان مثل: به‌کارگیری جمع سالم و جمع مکسر و قرار دادن علامت تأنیث در آخر بسیاری از صفات و مانند آن، بر خلاف قواعد فارسی، به کار گرفته شد. بعضی از کلمات و ترکیبات عربی، که وارد زبان فارسی شده بود و متعارف هم نبود، سبب ایجاد لهجه‌ی فارسی جدیدی شد که در اشعار شعرای نیمه‌ی دوم قرن ششم هجری و نوشته‌های نویسندگان عصر سلجوقی مشهود است. (صفا، ۱۳۳۹: ۱۰۶)

با رواج ادبیات عرب با حمایت سلجوقیان، نثر و شعر، سبکی جدید یافت. نثر اسلوب هنری دشواری به خود گرفت و شعر تابع سبک عراقی شد. تا جایی که کسی چون نظامی عروضی سمرقندی در کتاب چهارمقاله که در اواسط قرن ششم هجری نگاشت، نویسنده‌ی خوب را کسی می‌داند که از



هر علم و عالم و حکیم و ادیب پیش از خود بهره گرفته باشد. او سپس نام شماری از افراد معروف هر علم و فن را ذکر می‌کند که بیشتر آن‌ها عرب هستند

توجه به ادبیات عرب تا این درجه، سبب کاهش بررسی دقیق زبان فارسی و یادگیری قواعد و فهم نکته‌های ظریف آن بود. به کارگیری کلمات، شاهد مثل‌ها و استدلال‌های عربی، باعث دشواری و پیچیدگی عبارت‌ها و معانی پیچیده شده بود. با گذشت یک دوره، افرادی که می‌توانستند به فارسی سره بنویسند رو به کاهش گذاشت. ادبیات فارسی به این شکل، در قونیه و سایر سرزمین‌های آسیای صغیر رواج پیدا کرد و تا ارمنستان نیز رسید. این مناطق ادیبان و مورخان همچون ابن بی بی مؤلف تاریخ سلاجقه‌ی روم و راوندی مؤلف راحة الصدور و آیه السرور، محمد بلخی صاحب مثنوی و فیه مافیة و نجم الدین رازی مؤلف مرصاد العباد را پرورش داد.



دوره‌ی ملک‌شاه و دوره‌ی سنجر از دوران‌های طلایی ادبیات فارسی به‌طور عام و شعر فارسی به‌طور خاص به‌شمار می‌رود. با مرگ سلطان سنجر تعدادی از مراکز ادبی رو به نابودی گذاشتند و بسیاری از کتابخانه‌های آباد با گنجینه‌های علم و ادب خود از میان رفتند. در این دوره بی‌توجهی به حقایق، معانی عالی و صراحت لفظی، باعث شد نویسندگان تنها به لفظ و ساختار ظاهری آن توجه کنند و با بیان الفاظ عربی و به‌کارگیری کنایه و اطناب در بیان، نوعی نثر فنی و پیچیده بیافرینند. این سبک به نثر فنی یا روش ابوالمعالی، معروف شد. به دلیل اینکه تألیفات او بر تألیفات دیگران مقدم بود (ترجمه کليلة و دمنه). نظامی عروضی سمرقندی صاحب چهارمقاله،

محمد بن عوفی صاحب لباب الالباب، رشید و طواط صاحب حدائق السحر و دیگران، تابع روش او بودند و از آن پیروی می‌کردند.

در دوره‌ی سلجوقی در نثر، موضوعات و روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفت و کتاب‌های علمی فارسی بیش از گذشته نوشته شد. علت آن نیز جدایی سیاسی ایران از حاکمیت بغداد بود. با وجود توسعه‌ی احداث مدارس و اهتمام به تدریس عربی در آن‌ها و آمیختگی زبان عربی و فارسی، توجه امیران، علما و مردم به کتاب‌های فارسی رو به فزونی و تمایلشان به کتاب‌های عربی رو به کاهش بود؛ در نتیجه تألیفات فارسی در تفسیر، فقه، ملل و نحل، طب، ریاضی، نجوم، فلسفه، لغت و جز این‌ها پدید آمد.

با مهاجرت شماری از قبایل زردپوست به ایران و سکونت در نواحی مختلف، در میانه‌ی قرن پنجم و ششم هجری و گسترش نفوذ خود، اصطلاحات نظامی و اجتماعی و اداری و بعضی از مفردات ترکی آن‌ها رواج یافت و ابیات و جمله‌هایی که در آن‌ها کلمات ترکی به‌کار رفته بود در نثر فارسی فراوان شد. (همان منبع: ۳۳۹)

### کتاب‌های مثنوی دوره‌ی سلجوقی

کتاب عرفانی: کشف المحجوب اثر ابوالحسن غزنوی هجویری، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید تألیف محمد بن منور، رساله‌ی آواز جبرئیل سهروردی، ترجمه رساله‌ی قشیری اثر ابوالفتح نیشابوری، تذکره‌الاولیا اثر عطار نیشابوری، رساله‌ی سفر مجدالدین بغدادی، یزدان شناخت عین‌القضات همدانی، المعارف اثر بهاء الدین ولد.

کتاب‌های دینی و مذهبی: بعض فضائح و الروافض اثر شهاب الدین شافعی، النقص اثر عبدالجلیل قرزونی، کشف الاسرار و عدة الابرار اثر رشیدالدین میبیدی، روض الجنان و روح الجنان اثر ابوالفتح رازی، حدائق الانوار امام فخر الدین رازی.

کتاب تاریخی: سیاست نامه خواجه نظام‌الملک، مجمل القصص و التواریخ مؤلف ناشناخته (۵۲۰ هـ)، تاریخ بیهق اثر ابن فندق، تاریخ کرمان اثر ابوحامد کرمانی (۵۸۴ هـ ق) راحة الصدور و آیه السرور راوندی که در سال ۵۵۲ هـ ق تألیف کرد.

رساله‌های ادبی خاص: التوسل الی التوسل اثر مؤید بغدادی، عتبتة الکتبة اثر احمد کاتب اتابک جوینی.

کتاب علمی: حدائق الانوار فی حقایق السرار اثر امام فخر رازی، قراضه طبیعیات در مسائل طبیعی اثر محمد بن حمد غامی.

کتاب پزشکی: ذخیره‌ی خوارزمشاهی اثر سید اسماعیل جرجانی (۴۹۰-۵۲۱ هـ)، آثار حبیب بن ابراهیم در پزشکی مثل بیان الطب و کفایة الطب.

کتاب‌های ریاضی و هیئت و نجوم: جوامع الحکام نجوم تألیف ابن فندق در سه جلد، روضة المنجمین اثر شهردان بن ابوالخیر، کیهان شناخت اثر حسن قطان مروزی، کامل‌التعبیر اثر حبیب بن ابراهیم، آثار اسفزاری مثل اصول اقلیدس و رساله‌ی آثار علوی یا کائنات جو.

شاعران مثل: اسدی توسی، فخرالدین اسعد گرگانی، ازرقی هروی، قطران تبریزی (۴۴۱-۴۲۵ هـ)، ابوطاهر خاتونی با کتاب مناقب الشعراء، ابوردی (وفات ۵۰۷ هـ) سنایی، منتجب الدین بدیع (۵۱۶ هـ)، عمر خیام، معزی، اثیرالدین فتوحی شاعر سلطان سنجر، انوری، جمال الدین اصفهانی، عجبی خجندی، نظامی عروضی سمرقندی، رشید و طواط، خاقانی، ظهیر فاریابی

و نظامی گنجوی، همگی از نویسندگان و سخن سرایان این عصر بودند. (حلمی، همان منبع: ۲۲۴-۲۴۴)

### رواج زبان فارسی در غرب و مرکز ایران

دوره ی رواج واقعی ادب فارسی در همه ی نواحی ایران، عهد سلجوقی بود. هنوز دبیری از تشکیل این دولت نگذشته بود که یک شاعر خراسانی به نام علی بن احمد طوسی، از خراسان به آذربایجان مهاجرت کرد و نزد امرای محلی آن جا به شاعری پرداخت. شاعر دیگری هم به نام قطران (م ۵۶۶۵) در تبریز لهجه ی شرقی ایران را برای شاعری بر لهجه ی ایرانی محل خود یعنی آذری برتری داد و اشعاری ساخت که گاه با اشعار رودکی پهلوی می زد. از این پس آذربایجان یکی از مراکز مهم ادبی پارسی شد و شاعرانی از قبیل خاقانی شروانی و مجیرالدین بیلقانی و نظامی گنجه ای در آن دیار ظهور کردند. در همین دوره مرکز مهم دیگری به وجود آمد و آن اصفهان بود. این مرکز با ظهور شاعران استادی از قبیل جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، پسرش کمال الدین اسماعیل و شاعران دیگری از قبیل رفیع الدین لُبانی و شرف الدین شفروه، چنان قدرتی یافت که اثر آن در تمام قرن هفتم و هشتم هجری بر ادب فارسی برقرار ماند. (صفا، ۱۰۹: ۱۳۷۵ و ۱۱۰)

### تأثیر گذاری سلاجقه

هنر سلجوقی به خصوص در حجازی کم کم در ارمنستان و گرجستان رایج گردید و در هنر قفقاز تأثیر کرد که قسمتی از آثار آن زمان در موزه های روسیه است. سبک مسجد جمعه ی شهر اصفهان در مساجد دوره ی مغولی نیز تأثیر گذاشت. (علام، همان منبع: ۱۲۳) همچنین به واسطه ی سلاجقه زبان فارسی در خارج ایران هم نفوذ یافت و سلاجقه ی روم (ترکیه) به طرفداری و حمایت شعرا و نویسندگان برخاستند. (شاه حسینی، بی تا: ۲۳۰)

### تأثیر سلجوقیان در آسیای صغیر

آسیای صغیر در دوره ی سلجوقی مانند ایران قسمتی از امپراتوری این سلسله به شمار می رفته است و در واقع ایران در قرن ششم هجری در فنون و صنایع دیاربکر و موصل و عراق و آسیای صغیر نفوذ زیادی داشته است و چون ترک های عثمانی این نواحی را از ایران مجزا کردند رابطه ی فنی و فرهنگی ایران از آن جا قطع نگردید. بنابراین سفال و چینی و سفال هایی که در آن جا ساخته می شد و دیبا و پارچه های ابریشمی گران بها که در آسیای صغیر بافته می شد و یا در قالی های ترکی که در رنگ آمیزی و نقش و نگار شبیه قالی های بافت شمال ایران بود و نیز سایر آثار صنعتی که منسوب به روش عثمانی است همه به روش فنی ایران متأثر بوده و روش های فنی ایرانی به کار رفته است و همین آثار گواهی می دهند که روش عثمانی با روش ایرانی یک رابطه ی بسیار قوی دارد. (محمد حسن، همان منبع: ۳۰۲)

### نتیجه

در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بودیم که سلجوقیان در کدام زمینه ها نوآوری داشتند که باعث شده است این سلسله را متمایز از سایر حکومت های ایران بعد از اسلام بدانیم؟ در پاسخ به این سؤال به این نتیجه رسیدیم که این حکومت تقریباً در تمامی زمینه ها نوآوری داشته است. سلجوقیان در غنی کردن فرهنگ ایران یکی از مهم ترین نقش ها را ایفا کردند. آن ها با هنرهایی که به همراه خود آورده بودند و بهره گیری از هنر بومی ایران و ادغام آن با هنرهای سرزمین های اطراف ایران موفق به این

کار شدند. سلجوقیان توانستند آن چنان فرهنگ و تمدنی را به وجود آورند که به حق نام آن را امپراطوری گذاشته اند. به این جهت سلسله ی سلجوقی را امپراطوری نامیدند که تقریباً نیمی از دنیای اسلام را در بر می گرفت و فرهنگ و تمدن و هنر آن تا مدت ها تأثیرات خود را در این سرزمین ها به جای گذاشت به طوری که می توان سلجوقیان را کامل کننده ی تمامی هنرها دانست. آن ها با بنا گذاشتن یک امپراطوری عظیم زمینه های هنری دوره های بعد را فراهم کردند. به طور کلی می توان سلجوقیان را بنیانگذاران واقعی تمدن ایرانی بعد از اسلام دانست هر چند که انتقاداتی نیز به ویژه در زمینه ی علمی و آموزشی بر آنان وارد است.

### منابع

- ۱ - آتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابر. هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت، ۱۳۸۷
- ۲ - پوپ، آرثر آپهام. شاهکارهای هنر ایران، ترجمه ی پرویز ناتل خانلری، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفیعلیشاه، ۱۳۳۸
- ۳ - تاجبخش، احمد. تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۱
- ۴ - حلمی، کمال الدین احمد. دولت سلجوقیان، ترجمه ی عبد... ناصری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴
- ۵ - زند نیا، اردشیر. تاریخ و میراث ایران، تهران: جانزاده، ۱۳۶۳
- ۶ - ستارزاده، ملیحه. سلجوقیان، تهران: سمت، ۱۳۸۶
- ۷ - شاه حسینی، ناصرالدین. تمدن و فرهنگ ایران، تهران: دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران، بی تا
- ۸ - صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴
- ۹ - صفا، ذبیح... تاریخ ادبیات در ایران، تهران: بی نا، ۱۳۳۹
- ۱۰ - ..... دورنمایی از فرهنگ ایران و اثرات جهانی آن، تهران: هیرمند، ۱۳۷۵
- ۱۱ - علاء، نعمت اسماعیل. هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، ترجمه ی عباسعلی تفضلی، مشهد: به نشر (آستان قدس رضوی)، ۱۳۸۲
- ۱۲ - لمبتون، آن. ک. س. سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه ی یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵
- ۱۳ - محمد حسن، زکی. صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه ی محمد علی خلیلی، بی جا: کتابفروشی اقبال، ۱۳۲۰
- ۱۴ - نودری، عزت... تاریخ اجتماعی ایران، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۳

### مقالات

- ۱ - آتینگهاوزن، ریچارد. «هنر ایران در دوره ی سلجوقی»، ترجمه ی یعقوب آژند، کیهان فرهنگی، ش ۱۳۹، بهمن ۱۳۷۶
- ۲ - حیدر نیا، محسن. «دانشگاه آزاد اسلامی یادگار امام خمینی»، روزنامه آفرینش، ش ۲۷۷۷، ۱۳/۳/۱۳۸۶
- ۳ - پایگاه دانشجویان ترکمن ایران [www.turkmen.ir](http://www.turkmen.ir)
- ۴ - خبرگزاری فارس. کانون حکمت و فلسفه، «مقام و تاریخ هنر اسلامی»، [www.Farsnews.ir](http://www.Farsnews.ir)